

حسابرسی عملیاتی و کمک به مدیریت

رویا خیبری^۱

چکیده:

رشد و توسعه سازمان ه و تفکیک مالکیت از مدیریت از یک سو و فعالیت در محیط رقابتی از سوی دیگر، حرکت سازمان در راستای تحقق منافع مالکان را در هاله ای ابهام قرار داده است. افزون بر این تمایل سازمان ها در جهت کاهش تعداد کارکنان و به اصطلاح متناسب سازی تعداد کارکنان و نیز تمرکز زدایی، مدیریت ارشد را با چالش هایی چون کمبود اطلاعات با کیفیت و نگرانی نسبت به عدم رعایت استراتژی ها و مقررات سازمانی مواجه ساخته است. از این رو وجود یک عامل نظارتی جهت اطمینان از اجرای صحیح استراتژی ها در سازمان و نیز استفاده اثربخش، کارا و با صرفه از منابع در راستای دستیابی به اهداف سازمان و تحقق منافع مالکان ضروری به نظر می رسد. در این خصوص حسابرسی عملیاتی به عنوان یک عامل نظارتی قادر است نقش مهمی ایفا نماید. با این وجود این نوع از حسابرسی در مقایسه با حسابرسی صورتهای مالی با چالش های بیشتری مواجه است.

واژه کلیدی: حسابرسی عملیاتی، اثربخشی، صرفه اقتصادی، استقلال، قضاوت حرفه ای

^۱ دانشجوی کارشناسی پیوسته دانشگاه خوارزمی

مقدمه

حرفه حسابرسی، حرفه ای است باریک و هر انحراف جزئی از این راه، میتواند موجب آسیب دیدگی تمام راه و حرفه شود. چون حسابرسان مانند سایر صنایع نیازمند مشتریانی هستند تا با ارائه خدمات و اعتمادسازی، کسب درآمد کنند. و در این راه هم باید رضایت مشتریان را بدست آورند، هم به طور مستقل، ارائه ای صحیح همراه با صداقت داشته باشند. رسوایی های مالی اخیر در سطح جهان که از آن به عنوان شکست حسابرسی یاد میشود، برای عموم این موضوع را تلقی میکند که فقدان استقلال و کیفیت ضعیف حسابرسی موجب چنین رویدادهایی شده است. این در حالیست که هرچه موسسه حسابرسی، وابستگی مالی بیشتری به صاحبکاران خود داشته باشد، احتمال تقلب و همکاری در ارائه گزارش افزایش میابد.

پس از بوجود آمدن حسابرسی نوین، باید یک بازرسی باشد که عملکرد مدیریت مورد توجه قرار دهد. که این کار در ابتدا توسط حسابرس داخلی صورت می گرفت.

ولی پس از گذشت مدتی، با توجه به وابستگی حسابرسان داخلی و نبود استقلال کامل، شرکت ها ب این نتیجه رسیدند که علاوه بر حسابرس داخلی، از حسابرسان مستقل هم بهره بگیرند. زیرا که آنان به واحد تجاری وابسته نبوده و استقلال کامل دارند. این در حالیست که حسابرسان داخلی حتی اجازه حسابرسی صورتهای مالی را نداشتند و نمی توانستند نقش حسابرس عملیاتی را بازی کنند. به همین جهت حسابرسی عملیاتی ظهور کرد. این تفکر از کشورهای انگلوساکسون به وقوع پیوست. لذا در این بخش می خواهیم پیرامون حسابرسی عملیاتی صحبت کنیم

تعریف حسابرسی عملیاتی

فرایند منظم و روشمند ارزیابی اثربخشی، کارایی و صرفه اقتصادی عملیات سازمان و گزارش نتایج ارزیابی همراه با پیشنهادهای عملی به اشخاص ذی صلاح برای بهبود عملیات را حسابرسی عملیاتی می گویند.

برای فهم واژگان مطرح شده لازم است به مختصر بخوانیم:

ارزیابی: پاسخ به این سوال که آیا انتظارات محقق شده اند یا نه و اگر محقق نشده اند، دلایل عدم تحقق چیست.

اثر بخشی: پاسخ به این سوال که موسسه یا نهاد مذکور چقدر توانسته موفق باشد.

کارایی: یعنی با حداقل منابع، بیشترین منافع را بدست آوریم.

صرفه اقتصادی: یعنی هزینه هارا تا جای ممکن به حداقل برسانیم و همچنان کیفیت کالا و خدمات را حفظ و یا ارتقا دهیم.

در واقع هر حسابرس عملیاتی باید در مواجهه با یک کسب و کار، به سولات زیر پاسخ قانع کننده پیدا کند:

- آیا تلاش های واحد مورد بررسی کارا و اثربخش است؟
- چه میزان از صرفه اقتصادی در تلاش واحد مورد بررسی مشاهده می شود؟
- آیا اطلاع دقیق از واحد مورد بررسی در اختیار مراجع ذی صلاح قرار گرفته است؟
- آیا تلاش های واحد مورد بررسی به شیوه ای دقیق کنترل میشود؟

فرایند کلی حسابرسی عملیاتی

- برنامه ریزی
- تدوین برنامه حسابرسی
- اجرای عملیات
- ارزیابی نتایج و ارائه پیشنهاد
- گزارشگری
- پیگیری

شناخت فرایندهای مناسب برای حسابرسی، به حسابرسان اطمینان می دهد که برای اجرای حسابرسی عملیاتی، رویکرد قابل اتکایی دارند و می توانند با استفاده از ابزارها و تکنیک

های موجود، حسابرسی را با موفقیت انجام دهند. همچنین این موضوع وظیفه سنگینی بر دوش مدیر تیم حسابرسی عملیاتی می گذارد چون باید تشخیص دهد که کی و کجا مهارت های لازم را بکارگیرد و بتواند به صورتی اثربخش باشد. مدیران حسابرسی عملیاتی باید توانایی لازم برای برنامه ریزی و مدیریت اجرای کل فرایند حسابرسی عملیاتی را داشته باشند.

دو مدل متداول ساماندهی وجود دارد که می تواند مورد استفاده حسابرسان عملیاتی قرار گیرد. یکی ایجاد واحد مجزای حسابرسی عملیاتی است تا کارکنان آن در زمینه های مختلف حسابرسی عملیاتی، آموزش های لازم را ببینند که در این رویکرد دیگر نیازی نیست افرادی که اجراکننده حسابرسی عملیاتی هستند درگیر کارهای مربوط به حسابرسی مالی و رعایت شوند. رویکرد دوم، ایجاد مسئولیت فراگیر سازمانی برای اجرای روش های حسابرسی عملیاتی در سطح سازمان است. این رویه ها باید دربرگیرنده عملکرد حسابرسی عملیاتی و نیز آموزش کارکنان برای اجرای این تکنیک ها در حیطه کاری آنان باشد.

هدف گذاری حسابرسی عملیاتی

- شناسایی اهداف، سیاست ها و روش هایی که تا کنون تعریف شده است.
- شناسایی معیارهای ارزیابی عملیات با توجه به اهداف سازمان
- ارزیابی مستقل و بی طرفانه سازمان
- ارزیابی میزان رعایت اهداف، سیاست ها و روش های سازمان با قوانین و مقررات مربوطه
- ارزیابی اثربخش سیستم های برنامه ریزی و کنترل مدیریت
- ارزیابی کیفیت گزارش های مدیریت از نظر قابلیت اعتماد و مربوط بودن
- شناسایی محدودیت ها، اشکالات، نقاط ضعف و عوامل ایجاد آن

در حسابرسی عملیاتی بیشتر بر کنترل های مدیریتی تاکید می شود. ضعف مدیران باعث به وجود آمدن نارسایی در کنترل هاست و رفع این مشکلات، تنها بوسیله بهبود کنترل های مدیریتی میسر خواهد شد. در این نوع حسابرسی، هدف گزارشگری، کمک به مدیریت در رابطه با عملیات و نتایج مربوط به آن است.

اما در حسابرسی عملکرد، آنچه گزارش می شود درباره مسئولیت پاسخگویی مدیریت است.

ویژگی های حسابرس عملیاتی:

- کنجکاوی
- توانایی تجزیه و تحلیل
- قضاوت حرفه ای
- آگاهی متعارف نسبت به موضوع مورد رسیدگی
- بی طرفی
- مهارت در برقراری ارتباط
- خلاقیت در تکمیل مجموعه ای از تکنیک ها
- استقلال
- اعتماد به نفس

اصول اخلاقی در حسابرسی عملیاتی

اصول اخلاقی حسابری در یک نگاه کلی، اینگونه مطرح می شود:

- منافع عمومی: ویژگی بارز یک حسابرس، پذیرش مسئولیت برای خدمت در جهت منافع عمومی است که این مسئولیت هنگام انجام حسابرسی در محیط عملیاتی، بسیار حساس تر خواهد بود.
- درستکاری: حسابرسان در انجام کار حسابرسی باید نگرشی بی طرفانه، واقع بینانه و به دور از جانب داری داشته باشند. حسابرسان در انجام مسئولیت ممکن است با فشارهایی از سوی مدیریت و سایرین مواجه شوند. که با توجه به اصول اخلاقی، حسابرسان باید به مسئولیت خود در قبال منافع عمومی توجه کنند.
- بی طرفی: حسابرس باید هنگام ارائه خدمات حسابرسی، در عمل و ظاهر مستقل باشد. همچنین باید از سلامت فکری و نداشتن تضاد منافع برخوردار باشد. پرهیز از این تضاهاست که برای حفظ اعتبار ضرورت دارد.

- استفاده درست از اطلاعات: استفاده نادرست از جایگاه حسابرسی، تخطی از مسئولیت اساسی حسابرس است. برای مثال در سازمانی که حسابرس، به عنوان کارمند یا مدیر بخشی در آن کار میکند، ممکن است اقداماتی نادرست و به دور از نظر گرفتن منافع عمومی انجام دهد که موجب خدشه دار شدن اعتباراتش می شود.
- رفتار حرفه ای: این رفتار شامل کوشش صادقانه از سوی حسابرسان در اجرای وظایف و خدمات است که به موجب آن حسابرس باید قوانین و مقررات را رعایت کند و از هراقدامی که موجب بی اعتباری کار حسابرس می شود، بپرهیزد.

خدمات حسابرسی عملیاتی معمولاً توسط حسابرسان داخلی انجام می شود. زیرا بخشی از وظیفه آن ها ارزیابی کارایی و اثربخشی است. حسابرسان داخلی، بررسی های خود بر اساس صورت های مالی، حسابرسی انطباق و حسابرسی عملیاتی انجام می دهند.

چنانچه واحد تجاری حسابرسی داخلی نداشته باشد و یا حسابرس داخلی واحد تجاری از تجربه و مهارت کافی برخوردار نباشد، این وظیفه را تیم حسابرسان برون سازمانی می سپارند.

استانداردهای حسابرسی عملیاتی

همانگونه که انواع مختلف حسابرسی، برای خود استانداردهایی دارند، برای حسابرسی عملیاتی نیز استانداردهای متعددی تعریف می شود که به طور کلی سه بخش کلی دارند که عبارتند از:

۱. **استانداردهای عمومی:** این استاندارد بر استقلال موسسه حسابرسی و هریک از حسابرسان آن، اعمال قضاوت حرفه ای، صلاحیت کارکنان حسابرسی، کنترل کیفیت حسابرسی و حصول اطمینان تاکید دارد که شامل موارد زیر می شود:

۱-۱. **استقلال:** حسابرسان نباید جوری کار کنند که اشخاص ثالث بی طرف و آگاه، به این نتیجه برسند که حسابرسان استقلال در کار ندارند و به همین خاطر نمیتوانند قضاوت بی

طرفانه و بدون جانب داری داشته باشند. عوامل شخصی، برون سازمانی و درون سازمانی از جمله عواملی هستند که میتوانند موجب نقض استقلال حسابرسان شوند. چنانچه موسسه حسابرسی، متوجه تاثیر گذاری عوامل فوق بر گزارش حسابرس شوند، باید از اجرای کار خودداری کنند و همچنین تاثیر آن را بر گزارش حسابرسی تعیین کنند و مدیریت، درخواست کنندگان گزارش و افراد استفاده کننده از این گزارش هارا در رابطه با نقض استقلال آگاه سازند. موسسه حسابرسی بایستی این چنین تذکراتی را مکتوب نماید.

موارد نقض استقلال حسابرسان از روابط یا عقایدی ناشی میشود که ممکن است موجب محدود شدن میزان پرس و جو ها و افشای مطالب شود. برای مثال داشتن منافع مالی مستقیم یا غیرمستقیم و واحد تجاری، قصد استخدام در واحد مورد رسیدگی هنگام انجام عملیات، تهدید به تعویض حسابرسان به علت عدم توافق با محتوای گزارش حسابرسی و....

باتوجه به اینکه حسابرسی عملیاتی نوعی خدمات مشاوره مدیریتی است که می تواند برخی ویژگی های حسابرسی مالی را نیز دارا باشد، حسابرس باید از اتانداردهای خدمات مشاوره مدیریت به عنوان رهنمودهایی برای اجرای حسابرسی عملیاتی استفاده کند و همچنین استانداردهای حسابرسی و رهنمودهای انجمن حسابداران رسمی در آن خصوص را رعایت کند. حسابرسان مستقل توجه خواهند داشت که استانداردهای خدمات مشاوره مدیریت مستلزم درستکاری و رعایت بی طرفی است اما مشخصا بر استقلال تاکید ندارد. در این مورد توصیه می شود حسابرسانی که مستقل نیستند یا به دلیل وجود روابطی خاص، مشتری بر این باور است که استقلال آنان در قبال انجام حسابرسی عملیاتی ممکن است خدشه دار شود، باید به منظور جلوگیری از هرگونه برداشت نادرست، این امر را در هنگام پذیرش کار و نیز در گزارش خود افشا کنند.

۱-۲. قضاوت حرفه ای: این استاندارد شامل به کارگیری مراقبت منطقی و تردید حرفه ای است.

مراقبت منطقی به فعالیت مستمر بر طبق استانداردهای حرفه ای و اصول اخلاقی قابل اجرا مربوط میشوند.

تردید حرفه ای شامل ذهنی پرسشگر و ارزیابی منتقدانه از شواهد است.

قضاوت حرفه ای به معنی شناسایی، بررسی، ساده سازی و تشریح محدودیت ها و ضعف های ممکن در ارتباط با حسابرس می باشد.

۳-۱. صلاحیت: حسابرس باید دارای صلاحیت حسابرسی ک همان مدارک تحصیلی مورد تایید انجمن حسابداران خبره ایران است، باشد و آموزش های فنی لازم را ببیند. پس صلاحیت ترکیبی از آموزش و تجربه است و لزوماً با سنوات کار حسابرسی اندازه گیری نمی شود چون این اندازه گیری کمی نمیتواند انواع تجارب بدست آمده را نشان دهد. در اصل این صلاحیت است که میتواند حسابرس را قادر به انجام قضاوت حرفه ای کند.

مسئولیت بهبود صلاحیت و رعایت الزامات آموزش، اساساً بر عهده خود حسابرس می باشد و موسسه حسابرسی باید روش های کنترل کیفیت را اتخاذ نماید.

۴-۱. کنترل کیفیت و اطمینان از کار: سیستم کنترل کیفیت به منظور فراهم نمودن اطمینان معقول به موسسه حسابرسی طراحی شده است. هر موسسه حسابرسی باید سیاست ها و روش های کنترل کیفیت خود را مستند نماید و به این موارد بپردازد:

شروع، پذیرش و ادامه حسابرسی - اجرا، مستندسازی و گزارشگری حسابرسی - منابع انسانی - الزامات مربوط به استقلال، قانون و اخلاق و مسئولیت های مدیریت در مورد کیفیت در درون موسسه حسابرسی

۲. استانداردهای اجرای عملیات: این استاندارد به برنامه ریزی حسابرسی، سرپرستی کارکنان، دریافت شواهد کافی و مناسب و تهیه مستندات حسابرسی مربوط میشود

۱-۲. اطمینان معقول: این استاندارد اطمینان معقول فراهم میکند که یافته ها و نتیجه گیری های حسابرسی، کافی و مناسب است. ذیل این استاندارد دو مفهوم وجود دارد که عبارتند از:

اهمیت به عنوان اهمیت نسبی یک موضوع، شامل عوامل کمی و کیفی تعریف شده است. چنین عواملی شامل اهمیت موضوع در ارتباط با موضوع اصلی حسابرسی، ماهیت و تاثیر موضوع، مربوط بودن موضوع و اثر موضوع بر برنامه یا فعالیت مورد حسابرسی می شود.

خطر حسابرسی به معنای احتمال نادرست یا ناقص بودن یافته ها که ناشی از عواملی مانند شواهد ناکافی و حذف های عمدی یا همان تقلب باشد.

۲-۲. برنامه ریزی: فرایندی مستمر در حسابرسی است. حسابرسان باید جوری برنامه ریزی کنند که خطر حسابرسی کاهش یابد تا فراهم کننده اطمینان معقول نسبت به کافی و مناسب بودن شواهد برای پشتیبانی از یافته ها باشد.

۲-۳. سرپرستی: سرپرستان حسابرسی باید کارکنان حسابرسی را به درستی سرپرستی کنند که شامل فراهم سازی رهنمود و هدایت کافی بظرای کارکنان تعیین شطده جهت کار حسابرسی و به منظور دستیابی به اهداف حسابرسی می باشد.

۲-۴. دستیابی به شواهد کافی و مناسب: حسابرسان باید شواهد کافی و مناسب به منظور فراهم کردن مبنایی معقول برای نتیجه گیری های خود بدست آورند. در واقع این استاندارد، جزئی جدایی ناپذیر از هر حسابرسی است. حسابرسان باید بررسی کنند که آیا شواهد بدست آمده، برای پشتیبانی از نتیجه و یافته ها مناسب و کافی است یا خیر.

مناسب بودن شامل مربوط بودن و به موقع بودن و قابلیت اتکاپذیری شواهد می باشد. در واقع همان معیار کیفیت شواهد است.

کافی بودن به منظور پشتیبانی از یافته ها می باشد. در واقع همان کمیت شواهد است.

کافی و مناسب بودن ممکن است به صورت پیوسته در نظر گرفته شوند نه ب صورت جداگانه. حتی امکان داد حسابرسان در کافی بودن و یا در مناسب بودن برخی شواهد، ابهاماتی داشته باشند اما در مجموع ارزیابی کنند که شواهد کافی و مناسب برای پشتیبانی از یافته ها وجود دارد. در اصل دو مفهوم را با یک چشم می بینند!

۵-۲. **مستندسازی حسابرسی:** حسابرسان باید مستندات را کامل و جامع تهیه کنند که شامل سوابق اصلی کاری است که طبق استانداردها اجرا کرده اند و نتایجی است که بدست آورده اند. طبق استانداردهای حسابرسی عملیاتی، حسابرسان باید این موارد را مستند کنند:

- اهداف، دامنه و روش شناسی حسابرسی
- کارانجام شده به منظور پشتیبانی از قضاوت ها و نتیجه گیری های بااهمیت
- شواهد بررسی سرپرست درخصوص کار انجام شده به منظور پشتیبانی از یافته ها

موسسات حسابرسی باید روش هایی که به منظور نگهداری این مستندات است را برقرار کنند.

۳. **استانداردهای گزارشگری:** این استانداردها به شکل، محتوا، صدور و توزیع گزارش مربوط می شود.

۱-۳. **گزارشگری:** حسابرسان برای اطلاع رسانی نتایج بدست آمده، باید گزارش را به شکل مناسب، صادر نمایند که این اشکال شامل گزارش های مکتوب، نامه ها، اسلاید های خلاصه شده یا با استفاده از رسانه های الکترونیکی می باشد. اهداف کلی گزارش های حسابرسی عبارتند از :

- اطلاع رسانی نتایج حسابرسی به دستگاه های نظارتی
- کاهش احتمال درک نادرست از نتایج بدست آمده
- امکان دسترسی عموم به نتایج در موارد منقضي
- تسهیل پیگیری به منظور تشخیص مناسب بودن یا نبودن اقدامات اصلاحی

اگر حسابرسان بعد از صدور گزارش متوجه شوند که شواهد مناسب و کافی برای پشتیبانی از یافته های بدست آمده را ندارند، باید به ارکان رهبری و استفاده کنندگان اطلاع دهد تا آنها به این یافته های بدون پشتوانه، اتکا نکنند.

۲-۳. محتوای گزارش: حسابرسان باید گزارش هایی که موارد زیر را در بر میگیرد، تهیه کنند:

- اهداف، دامنه و روش شناسایی
- نتایج حسابرسی شامل یافته ها، نتیجه گیری ها و پیشنهادها
- رعایت استانداردهای عملیاتی
- خلاصه ای از دیدگاه مسئولان واحد مورد رسیدگی
- ماهیت هرگونه اطلاعات محرمانه یا حساس

اگر حسابرس به این نتیجه برسد که تخطی و تقلب صورت گرفته است، و یا ممکن است صورت بگیرد، باید این موضوع را ب عنوان یک یافته گزارش کنند.

حسابرسان باید نتیجه بدست آمده را بر مبنای اهداف گزارش کنند چرا که این یافته ها، استنتاج های منطقی درباره برنامه هستند. در واقع نتیجه گیری هنگامی مفید است که به پیشنهاد حسابرسان ختم شود و ضرورت انجام اقدامات لازم را گویا باشد. همچنین این پیشنهادها هنگامی اثربخش خواهد بود که مشخص، عملی، مقرون به صرفه و قابل اندازه گیری باشد و خطاب به اشخاص دارای اختیار عمل باشد.

۳-۳. توزیع گزارش ها: حسابرسان باید هرگونه محدودیت در توزیع گزارش را مستند کنند.

شناسایی مقدماتی حوزه ها بحرانی و مشکل آفرین:

روش های شناسایی اولیه نواحی بحرانی ، بسیار متفاوتند و نیازمند خلاقیت و قضاوت حسابرس عملیاتی هستند. ملاک های مختلفی برای شناسایی نواحی بحرانی وجود دارد. مثل:

- محدوده هایی که در مقایسه با سایر بخش ها دارای اهمیت بیشتری است.
- محدوده هایی که کنترل در آنها ضعیف و یا مشکل است.
- محدوده هایی که احتمال سوء استفاده یا اهمال در آنها وجود دارد.

- محدوده هایی که عملکرد آنها کارا یا اقتصادی نیستند.
- محدوده هایی که نیازمند بهبود هستند و مدیریت آنها را معرفی کرده است.

شناسایی نهایی حوزه های با ریسک بالا و مشکل آفرین:

رویکردی که برای شناسایی نهایی حوزه های با ریسک بالا پیشنهاد می شود، روش ارزیابی ریسک است که به معنی شناسایی و تجزیه تحلیل ریسک های مرتبط با دستیابی به اهداف واحدهای اقتصادی است. بنابراین در فرایند ارزیابی ریسک، ریسک های ناشی از منابع برون سازمانی و درون سازمانی، شناسایی می شوند و مورد ارزیابی قرار می گیرند. مراحل شناسایی نهایی حوزه های با ریسک بالا به این شرح است:

- شناسایی فعالیت های مهم
- شناسایی هدف های فعالیت های مهم
- شناسایی عوامل ریسک عدم دستیابی به هدف های فعالیت های مهم
- شناسایی اقدام ها یا فعالیت های کنترلی موجود
- تعیین سطح ریسک هدف های فعالیت های مهم
- تعیین سطح اهمیت ریسک اهداف فعالیت های مهم
- ماتریس ریسک و اهمیت

مزایای حسابرسی عملیاتی نسبت به حسابرسی مالی:

در حسابرسی مالی غالباً به تجزیه و تحلیل های موارد تکراری اقدام می گردد، در حالیکه در حسابرسی عملیاتی گام به گام با تغییرات محیطی، مدیریت و فناوری های روز پیش می روند و با استفاده از نوآوری ها به تجزیه و تحلیل و ارزیابی وضعیت های مالی متفاوت و متغیری می پردازند. از این رو همواره بایستی دانش کافی در مورد محیط کلی واحد مورد رسیدگی، مهارت و تجربه لازم در زمینه حسابرسی عملیاتی، تکنیک ها و ابزارهای مورد نیاز برای حل مشکلات و درک و حساسیت به خرج دادن نسبت به اهداف و روش های همه افرادی که در تداوم فعالیت سازمان سهیم اند، به دست آورند. در انجام حسابرسی مالی، بودجه زمانی کارکنان و هزینه های مربوط توسط گروه حسابرسی تهیه و در نتیجه حسابرسی مالی به مرکز هزینه تبدیل می شود، در حالیکه در حسابرسی عملیاتی، مزایای

عملیاتی و صرفه جویی ریالی به میزان قابل ملاحظه ای از هزینه حسابرسی پیشی می گیرد. در نتیجه حسابرسی عملیاتی به یک مرکز سود تبدیل می شود. از دیدگاه نظری هرچقدر حسابرسی عملیاتی بیشتر باشد، صرفه جویی بیشتری صورت می گیرد. مفهوم مرکز سود بر این پایه استوار است که مدیریت متقاعد شود مزایای حاصل از حسابرسی عملیاتی بیشتر از هزینه های مربوط به آن است.

نتیجه گیری:

حسابرسی عملیاتی دربرگیرنده بررسی قاعده مند و روشمند فعالیت های یک سازمان برای دستیابی به اهداف مشخص است. در کل حسابرسی عملیاتی یکی از فواید است که از طریق ارزیابی اثربخشی، کارایی و صرفه اقتصادی عملیات سازمان و ارائه پیشنهاد برای بهبود عملیات در محیط مغیر تجاری می تواند به مدیران کمک کند.

لذا با توجه به الزام وجود استقلال در حسابرسی عملیاتی و کمک به بهبود مدیریت، بهتر است این مسئولیت ها را از حسابرسی داخلی و مالی تفکیک کرده و به عنوان واحدی مستقل در نظر بگیریم تا نتیجه ای به دور از هرگونه انحرافات داشته باشیم. در کل فرقی ندارد چه نوع حسابرسی صورت می گیرد، در هر صورت نکات اخلاقی و استانداردها باید رعایت شوند.

منابع

آشنایی با مفاهیم اساسی حسابرسی عملیاتی حوزه های بحرانی و مشکل آفرین - بنی فاطمه کاشی، محمدرضا

حسابرسی عملیاتی و نقش آن در بهبود عملکرد مدیران - حیدری سورشجانی، رسول

آشنایی با مفاهیم اساسی حسابرسی عملیاتی - بنی فاطمه کاشی، محمدرضا

حسابرسی عملیاتی - دکتر موسی بزرگ اصل، محمد جواد صفار

حسابرسی عملیاتی یک ضرور پر چالش - دکتر ناصر ایزدی نیا، مرضیه جانقربان و افسانه سروش یار

حسابرسی عملیاتی ابزاری برای پاسخگویی و کمک به مدیریت - رحیمیان، نظام الدین